
خانه فیروزه ای

شماره چهارم - فروردین ۹۱



در این شماره می خوانید:

حقوق خانواده

تحلیل مسائل ازدواج موقت

تاریخچه هفت سین از گذشته تا به امروز



یامقلب القلوب والابصار...

سال جدید هم آغاز شده سالی که گذشت با تمام فراز و نشیب هایی که داشت باز هم گذشت. تنها چیزی که ماند طبق معمول خاطراتی بود که از گذشت ایام برجا ماند. در سالی که گذشت تالار خانواده انجمن علمی پژوهشی نواندیشان کارهایی رو انجام داد از جمله راه اندازی بخش مخصوص گفتگوهای آزاد با موضوعات خانوادگی، اقدام به انتشار سه نسخه مجله اینترنتی، به روز رسانی مطالب، به کارگیری از مطالب نوشته خود کاربران برای جمع آوری مطالب مجله و کمتر شدن مطالبی که روبرداری از جاهای دیگر ست. به جرأت میتوانم ادعا کنم کاربرانی که در تالار خانواده اقدام به زدن مطلب میکنند از رؤف ترین و خوش قلب ترین کاربران این فضای مجازی هستند من به عنوان کوچکترین عضو این خانواده بزرگ و خدمتگزار این جمع، حلول سال نود و یک خورشیدی رو به همه عزیزانی که این مطلب رو مطالعه میکنند صمیمانه تبریک میگم

سعی شد در این نسخه مطالب متناسب با ایام نوروزی باشه گرچه به دلیل مشغله زیاد کاری من نشد زودتر آماده انتشار بشود امیدوارم این قصور بنده ناقابل رو ببخشایید به خوبی وبزرگواری خودتان ...

منتظر نظرات و انتقادات شما از مجله هستیم ومشتاقانه وبا آغوش باز از مطالب شما استقبال میکنیم ...دنیارو براتون شاد شاد و شادیهاتون رو دنیا دنیا از خداوند بزرگ خواستاریم

با تشکر

پیمان صادقیان



فهرست

۳	حقوق خانواده
۷	تحلیل مساله ازدواج موقت
۱۲	بخش بانوان
۱۵	بخش آقایان
۱۹	کودک و نوجوان
۲۲	هنر در خانه
۲۵	متفرقه
۲۵	تاریخچه هفت سین از گذشته تا به امروز
۳۴	سخن پایانی



حقوق خانواده

به نام خدا

شروط ضمن عقد

در این قسمت از حقوق خانواده همانطور که پیش از این قول داده بودیم درباره ی شروط ضمن عقد صحبت خواهیم نمود. از آنجا که این مبحث مفصل و طولانیست و مجال ما اندک لازم دانستیم تا شروط ضمن عقد را به دو قسمت تقسیم نموده که قسمت اول مربوط به شروط باطل و قسمت دوم مربوط به شروط صحیحی است که می توان ضمن عقد نکاح

لحاظ نمود.



تعهداتی است که در حین وارد مفاد قرارداد ازدواج را می توان در سند رسمی امضای دو طرف رسمیت ذکر نشده اند و به انتخاب

شروط ضمن عقد ازدواج ازدواج با توافق زن و شوهر آن ها می شود. این شروط ازدواج ذکر کرده و با داد. این شروط در قانون

طرفین چه در هنگام ازدواج و چه پس از آن انتخاب می شوند.

بر اساس فقه اسلامی و قانون مدنی ایران، ازدواج قراردادی است که در آن حقوق و تکالیف متفاوتی به زن و مرد داده می شود. با امضای سند ازدواج، زن برخی از حقوق مدنی و معنوی خود همچون حق سفر، داشتن شغل، انتخاب محل زندگی و مسکن، ولایت بر فرزندان و جدایی از همسر طلاق از دست می دهد و حقوق مادی همچون مهریه و نفقه را به دست می آورد. معمولاً از شروط ضمن عقد برای تغییر این آثار حقوقی ازدواج استفاده می شود. برای مثال شوهر متعهد می شود که جلوی سفر یا شغل زن را نگیرد یا به او برای طلاق وکالت می دهد. این گونه شروط می توانند در صورتی که با قوانین تفسیری مخالف باشند بر قانون برتری دارند و در صورت بروز اختلاف باید به شرط ضمن عقد عمل شود نه قانون، اما اگر خلاف قوانین امری باشند اعتباری ندارند.



وجود شروط ضمن عقد می تواند چهره ازدواج را تغییر قابل ملاحظه ای داده و نوع خاصی از ازدواج پدید آورد. برای مثال ازدواج مسیاری که در دوران معاصر در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس رایج شده با شروط ضمن عقدی مانند صرف نظر کردن زن از حق نفقه و سهم مساوی در هم بستری در هنگام چندهمسری، اختیار زن در تعیین محل سکونت خود، پرداخت اجاره منزل زن توسط شوهر و عدم ثبت رسمی ازدواج از ازدواج عادی متمایز می شود.

در سند ازدواج امروزی در ایران، تعدادی شرط اضافی برای رفع برخی از این نابرابری ها چاپ شده است که شروط ضمن عقد خوانده می شوند و باید امضای دو طرف پای آنها باشد تا بعداً قابل اجرا باشند. اما شرط های کنونی در مواردی کافی دانسته نشده اند و شروط ضمن عقد بیشتری نیز قابل درج در سند هستند که باید با عبارات دقیق قانونی نوشته شوند (در صورت ذکر نشدن برخی عبارات خاص حقوقی از حیث اعتبار خارج است و نمی توان به آنها استناد کرد).

البته بعضی از سردفترها گاه شروط ضمن عقد را نمی پذیرند و از ثبت آنها خودداری می کنند. اما این کار آنها مطابق قانون نیست و به گفته کارشناس کارگاه آموزشی قوه قضائیه «طبق قانون اساسی هر نوع شرطی که مورد قبول متقاضی عقد باشد، ذکرش در عقدنامه ازدواج، بلامانع است. (ویکی پدیا، دانشنامه ی آزاد - شماره های پاورقی ۱ تا ۶).

قسمت اول - شروط باطل

در نکاح مانند سایر قراردادها ممکن است اداره به پاره ای تعهدات فرعی که خارج از ارکان و عناصر اصلی قرارداد است نیز تعلق گیرد. این تعهدات فرعی را شروط یا شرایط ضمن عقد گویند. مثلاً ممکن است در نکاح شرط شود که زن یا شوهر وصف خاصی داشته باشد یا یکی از زوجین وکالت داشته باشد که امری را از جانب همسر دیگر انجام دهد.

بند یکم - شروط باطل

شروط باطل گاهی مفسد عقد نیست و تاثیری در آن ندارد زیرا به ارکان عقد لطمه نمی زند و گاهی موجب بطلان عقد است، چه به ارکان عقد لطمه می زند و به دیگر سخن، موجب فقدان یکی از عناصر اساسی قرارداد می گردد.



الف - شروطی که باطل است ولی مبطل (باطل کننده) عقد نیست

شروطی که باطل است ولی به صحت عقد لطمه نمی زند و تاثیری در آن ندارد طبق ماده ۲۳۲ قانون مدنی بر سه گونه است: شرط غیر مقدور - شرط بی فایده - شرط نامشروع.

۱- شرط غیرمقدور:

شرطی غیرمقدور آن است که انجام آن در توان افراد متعارف نباشد؛ مثلاً اگر ضمن نکاح شرط شود که شوهر مرده ای را زنده کند یا یک زبان خارجی را در یک روز به طور کامل به زن بیاموزد، ای شرط باطل ولی عقد صحیح است.

۲- شرط بی فایده:

شرط بی فایده شرطی است که نفع و فایده عقلانی نداشته باشد و تشخیص این امر با عرف است؛ چنانکه شرط شود که یکی از همسرها مسافت بین تهران و کرج را پیاده یا با شتر بپیماید.

۳- شرط نامشروع:

یعنی شرطی که مخالف قواعد آمره (امری) باشد. قواعد آمره مربوط به نظم عمومی است و مصلت عموم در آن مورد نظر است. از اینرو قانونگذار اجازه نمیدهد که افراد با قراردادهای خود، هر چند فرعی و تبعی باشد و ضمن عقد نکاح آورده شود، آنرا نقض کند. شرط نامشروع باطل است ولی موجب بطلان عقد نیست. از نمونه های این شرط می توان به این موارد اشاره کرد:

۱- شرط خیار، شرط خیار آن است که اختیار فسخ نکاح برای یکی از طوجین یا شخص ثالث ضمن عقد شرط شود.

۲- هرگاه شرط شود که اگر شوهر مهر زن خود را تا تاریخ معینی ندهد زن حق فسخ نکاح را داشته باشد، یا نکاح خود بخود منحل شود.

۳- هرگاه زن بر شوهر شرط کند که حق حضانت یا ولایت بر اطفال خود را نداشته باشد.

۴- هرگاه شرط شود که زن ق نفقه نداشته باشد.



۵- هرگاه شرط شود که زن در اعمال و معاشرتهای خود کاملاً آزاد باشد .

این شروط باطل بوده اما مبطل عقد نکاح نمی باشند .

ب- شروطی که باطل و مبطل (باطل کننده) عقد است

شرط خلاف مقتضای ذات عقد

طبق ماده ۲۳۳ قانون مدنی شروط مفصله ذیل باطل و موجب بطلان عقد است :

۱- شرط خلاف مقتضای ذات عقد ؛ ۲- شرط جهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین می شود . نوع دوم که ویژه قراردادهای مالی است در نکاح مصداق پیدا نمی کند و آنچه در اینجا باید بررسی شود شرط خلاف مقتضای عقد است . مقود از شرط خلاف مقتضای عقد شرطی است که با آنچه ذات و طبیعت عقد اقتضا می کند منافات داشته باشد ، چنانکه در نکاح شرط شود که شوهر و زن وظایف زوجیت را انجام ندهد یا رابطه ی زوجیت بین آنان پدید نیاید . چنین شرطی از نظر مابینت با ذات عقد ، هم باطل و هم موجب بطلان عقد است . در حقیقت با این شرط معلوم می شود که قصد جدی به ازدواج در میان نبوده است و از این رو ازدواج نمی تواند درست باشد .

در قسمت بعد که مربوط به شروط صحیح ضمن عقد می شود مهمترین شروط ضمن عقد را که در بسیاری از ازدواج ها کاربرد دارند به عنوان نمونه خواهیم آورد .

(اقتباس از مختصر حقوق خانواده - دکتر سید حسین صفائی ، دکتر اسدالله امامی - ص ۵۸ تا ۶۲ - چاپ چهارم ، نشر دادگستر ، زمستان ۱۳۸۰) .

نگارش: م. بابایی

کارشناس ارشد جزا و جرم شناسی



تحلیل مساله ازدواج موقت (قسمت پایانی)

به فرض مثال اگر شما به عنوان خریدار کالایی می خرید هم شما بدان کالا نیازمندید و هم آن فروشنده به مبلغی که در ازای فروش کالا از شما می ستاند . پس در اینجا باید الزام قانونی بین شما باشد که اگر یکی از شما خواست عهد شکنی کند آن دیگری بتواند قانوناً حق خویش را از شما بازستاند و مانع سواستفاده ی شما گردد . باید گفت اگر همان تعهد وجدانی که شما به نام عشق از آن تجلیل می کنید آنقدر قابل اعتماد است پس چرا در سایر امورات خود به همین نوع تعهد وجدانی اکتفا نمی کنید ؟ چرا وقتی می خواهید ملکی بخرید از آنجا که عاشق

آن ملک شده اید و صاحب ملک هم عاشق پول شما شده است به همین تعهد وجدانی یا همین عشق اکتفا نمی کنید و حتماً باید سندی بینتان تنظیم بشود تا قانع شوید ؟ اینها به این خاطر است که شما در یک رابطه ی به اصطلاح عاشقانه با جنس مخالف ممکن است هیچگاه رسوا نشوید و این مساله بین خودتان یا عده ای معدود از دوستان شما باقی بماند اما همینکه بدانید ممکن است این رابطه در سطح جامعه افشا شود آنگاه به دنبال تعهدی قوی تر خواهید بود مانند ازدواج که وقتی شما با کسی ازدواج می کنید چون عده ی زیادی از مردم باخبر می شوند شما احساس می کنید باید تعهدی قوی بین خودتان برقرار کنید تا ذهن عمومی جامعه را ارضا کنید و اعلام کنید که رابطه ی شما واقعاً قانونی و عرفی و اجتماعی است نه از روی هوس و هوس و دلبخواهی .

وقتی شما با کسی ازدواج می -
کنید چون عده ی زیادی از
مردم باخبر می شوند شما
احساس می کنید باید تعهدی
قوی بین خودتان برقرار کنید
تا ذهن عمومی جامعه را ارضا
کنید و اعلام کنید که رابطه ی
شما واقعاً قانونی و عرفی و
اجتماعی است نه از روی هوی
و هوس و دلبخواهی

یک رابطه ی حقیقی آن است که به سادگی گسسته نشود . در ادامه در خرید و فروش ملک و املاک شما از آنچه در خود احساس می کنید که باید سندی تنظیم شود که چون میدانید در غیر اینصورت معامله ی شما بین زمین و آسمان معلق است و ممکن است هر آن بگسد زیرا مدرکی برای اثبات آن ندارید و چون اگر این معامله به خاطر نبود مدرک اثباتی بگسلد شما زیانکار خواهید بود در نتیجه آنرا تبدیل به یک رابطه حقوقی و عقد قرارداد قانونی واقعی و محکم می کنید تا در آینده ضرر نکنید و این کار را نه برای آنکه فکر می کنید قطعاً ضرر می کنید انجام می دهید بلکه برای آن سند قانونی تنظیم می کنید که گمان می کنید و احتمال می دهید که شاید طرف مقابل نقض عهد کند و تنها ممکن است . اما در رابطه ای که با جنس مخالف دارید چون فکر می



کنید هیچگونه ضرری برای شما وجود ندارد و کسی هم با خبر نمی شود بنابراین نیازی به تعهد سازی واقعی نیست زیرا اساساً شما به دنبال تعهد نیستید و فقط می خواهید نیاز خود را رفع کنید. همین عامل سبب می شود که به دنبال یک رابطه ی واقعی و حقیقی نباشید چون بر این باورید که در جریان یک رابطه ی جنسی آزاد این شما نیستید که ضرر می کنید زیرا شما لذت خود را بردید و اگر بعداً رابطه ی شما بگسلد هم مهم نیست و زبانی در بین نیست چون شما قبلاً لذتی که باید را تجربه کردید. بنابراین می بینیم که این نوع رابطه بر اساس یک تعهد وجدانی یک رابطه ی حقیقی و مستحکم نیست زیرا شما مساله را شخصی کرده اید حال آنکه در جامعه زندگی میکنید. شما میگویید من در جریان یک رابطه ی جنسی آزاد لذت خودم را برده ام و ضرر هم نکرده ام و این یعنی شخصی سازی، در حالی که این یک قانون فردی نیست بلکه عام و جمعی است یعنی شما

باید در نظر بگیرید که آیا این نوع خالی از ضرر است؟ یعنی به غیر اینطور رابطه ی بدون تعهد قانونی ما به دنبال یک قانون برای کل شخص خاص و تعهد وجدانی یک اینجا مساله شما نیستید بلکه منحنی و متلاشی می شود.

روابط جنسی قبل از ازدواج صحیح نیست زیرا نه در غالب تعهدی است و نه می خواهد که باشد و همین بی تعهدی اساس انحطاط و تخریب فردی و اجتماعی است

باید در نظر بگیرید که آیا این نوع خالی از ضرر است؟ یعنی به غیر اینطور رابطه ی بدون تعهد قانونی ما به دنبال یک قانون برای کل شخص خاص و تعهد وجدانی یک اینجا مساله شما نیستید بلکه منحنی و متلاشی می شود.

به هر حال باید گفت روابط جنسی نه در غالب تعهدی است و نه می خواهد که باشد و همین بی تعهدی اساس انحطاط و تخریب فردی و اجتماعی است. و البته تاکید ما در قانونی کردن روابط فقط و فقط برقراری عدالت و جلوگیری از ضرر و زیان برای طرفین است و هدف ما صرفاً پیشگیری از سواستفاده هایی است که امروزه در جامعه ی ما بیشتر بر علیه دختر یا زن می شود. امروز می بینیم که پسرها به دخترها وعده ی ازدواج داده و به این ترتیب آنها را می فریبند و سواستفاده میکنند و بعد شدیدترین ضربه ها را بدو وارد کرده و رهاش می کنند و این اصلاً قابل قبول نیست. در ادامه همین روابط جنسی می تواند به صورت آزاد و بدون قید و بند برقرار شود که این به دو نوع است:



که مربوط به مردان هرزه و زنان روسپی می شود که هیچ تعهدی بینشان نیست و هدف فقط ارضای نیاز جنسی است و بس. که این مورد را می توان با همان نمونه ی ازدواج موقت یا صیغه ای که بسیار زود گذر است شبیه دانست و از این جهت فرقی بین این دو نیست. در هر دوی این روابط هدف ارضای نیاز جنسی است ولی در ازدواج موقت برخی مسائل تشریفاتی چون تعیین مهریه و مدت زمان وجود دارد که گفتیم این تشریفات هم به نوعی دیگر در همان روابط جنسی زودگذر خالی از قید و بند وجود دارد فقط صورتش متفاوت است.

۲- رابطه جنسی طولانی مدت

که این هم مربوط به دو دسته می شود. یک دسته کسانی که ازدواج موقت کرده منتها به مدت زیادتر مثلاً یکسال یا دو سال و دسته ی دوم کسانی که معمولاً به همین مدت با هم دوست هستند و رابطه دارند.

درباره ی این مورد دوم باید گفت تنها نوع صحیح ازدواج موقت به عنوان یک عقد قرارداد حقوقی همین نوع است. یعنی ازدواج موقت در صورتی که به معنی برقراری یک رابطه ی کوتاه مدت به منظور ارضا فقط نیاز جنسی نباشد چهره ی عقلانی تری می یابد. به فرض مثال اگر شما سوار یک تاکسی شوید برای یک مسیر کوتاه نیازی به تشریفات قانونی ندارید که بخواهید کتباً قراردادی تنظیم کنید و شاهد بیاورید و ... بلکه به صورت عرفی قرارداد بسته می شود و این حالت عرفی و شفاهی دارد. اما زمانی که میخواهید به مسافرت طولانی تری بروید که ممکن است یک روز یا بیشتر به طول بیانجامد نیازمند به اخذ بلیط بوده و همان بلیط یک سند و قرارداد قانونی است.

در اینجا هم ازدواج موقتی که مدت زمان بسیار کوتاهی داشته باشد با توجه به اینکه بستن عقد و قرارداد به صورت شفاهی هم ممکن است، نیازی به تشریفات خاص چون ایجاب و قبول در غالب الفاظ و یا مهریه و مدت زمان و اینها نیست زیرا عرفاً معلوم است یک رابطه ی زودگذر برای چه مدتی و در از چه چیزی صورت می گیرد. همین وجه است که ازدواج خیلی موقت را به رابطه ی جنسی بی قید و بند نزدیک و شبیه می سازد.

در شرایط فعلی جامعه ی ما قانون باید به سمتی برود که ازدواج موقت را به عنوان امری اجتناب ناپذیر در نظر گرفته و قوانینی وضع کند که این امر شرعی را با توجه به موقعیت فعلی قابل درک و هضم نماید. ازدواج موقت به عنوان یک عقد حقوقی در صورتی صحیح می باشد که مدت زمان تعریف شده برای آن نه آنقدر کوتاه باشد که به رابطه ی جنسی صرف بدل گردد و نه آنقدر طولانی که به عقد دائم مبدل شود. پس اگر این مدت زمان تعدیل گردد و به صورت خودسرانه و دلبخواهی نباشد و هم در ورطه ی افراط و تفریط نیافتد از نظر حقوقی و اجتماعی



و عقلانی امری صحیح و بخردانه است. در غیر اینصورت اینکه صرفاً شما به خاطر شهوت و نیاز جنسی برای مدت زمان بسیار کوتاه با دیگری رابطه جنسی برقرار کنید و از لحاظ شرعی هم خودتان را با این فکر که چون صیغه کردم پس عملم مشروع می باشد تسکین دهید باید بگوییم سخت در اشتباهید زیرا عملی که شما می کنید هیچ فرقی با یک رابطه ی جنسی زودگذر بدون قید و بند ندارد یا همان زنایی که در دین گفته می شود.

نکته ی بعدی در جهت صحت ازدواج موقت این است که در این نوع رابطه فرقی بین زن و مرد نباید وجود داشته باشد بنابراین اگر مرد میتواند صیغه کند پس زن هم باید بتواند و این امری دوسویه است و اگر جامعه نمی تواند این مساله را بپذیرد پس اساس ازدواج موقت هم در چنین جامعه ای زیر سوال است. و باید افزود برای استحکام و نگهداری بنیاد خانواده نباید کسی که ازدواج دائم کرده است به سمت ازدواج موقت روی آورد زیرا این روی آوری تهدیدی است برای خانواده و هم جامعه. پس ازدواج موقت باز هم در صورتی صحیح است که برای مردان یا زنان مجرد که امکان ازدواج دائم ندارند محقق باشد آنها هم به صورت محدود و نه اینکه شما هرچقدر خواستید زن صیغه ای یا مرد صیغه ای داشته باشید. پس شرایط صحیح ازدواج موقت اینهاست:

۱- قانونی باشد (چه به صورت رسمی و چه عادی). یعنی سندی که بین طرفین تنظیم می گردد میتواند هم رسمی باشد و هم به صورت دستی نوشته شود با شهود.)

۲- مدت زمان آن نباید آنقدر کوتاه باشد که معنای ازدواج را زائل کند بنابراین ازدواج موقت چند ساعته یا چند روزه قابل قبول نیست.

۳- محدود باشد، یعنی مرد یا زن متاهل نمیتوانند چنین قراردادی منعقد کنند مگر با برقراری عدالت و رضایت تام و کامل طرف مقابل (که بعید است!) و هم تعدد زوج یا زوجه در ازدواج موقت باز هم منوط به رضایت کامل طرف مقابل است. البته این مساله ی تعدد زوجات از لحاظ اجتماعی امر پذیرفته شده ای نیست اما از نظر حقوقی و قانونی قابل تعریف است.

(درباره ی مهریه هم باید گفت اگر در یک جامعه ی مردسالار مهریه به عنوان یک نوع تضمین مالی برای زن تلقی شود در اینصورت در ازدواج موقت که مدت زمان آن محدود بوده و در طولانی ترین شرایطش معمولاً از یک یا دو سال تجاوز نمی کند بنابراین نمیتوان مهریه را به عنوان یک ضمانت مالی مثر ثمر دانست مگر آنکه مبلغ آن قابل توجه بوده و یا روند دیگری در ایجاد تضمین برای زن در نظر گرفته شود مانند قانونی که در غرب وجود دارد و در صورت طلاق و جدایی بین زن و شوهر آنگاه نصف سرمایه ی مرد مال زن می شود و این حتی در یک



جامعه ای که مردسالار نیست هم به عنوان یک تضمین برای زن در نظر گرفته می شود و یا شاید هم به عنوان ثمره ای مالی که در زندگی مشترک از ناحیه ی زن به بار آمده . به هر حال به نظر می رسد مهریه قانونی است برای جوامع مردسالار .

تعدد زوجات چه در ازدواج دائم و چه موقت تنها زمانی قانونی ، اخلاقی و عقلانی است که طرف مقابل رضایت کامل قلبی داشته و با علم و اطلاع از ماهیت این مساله چنین رضایتی را اعلام دارد در غیر اینصورت عمل مرد یا زن خاطی یک عمل غیر قانونی و غیر اخلاقی است . که البته بعید است در جامعه ی امروزی کسی دیگر بتواند به تعدد زوج یا زوجه بیاندهد زیرا نه از نظر اقتصادی و نه فرهنگی و نه عرفی و وجدانی چنین چیزی نه برای زن و نه برای مرد قابل قبول نیست مگر در موارد استثنا . پس بند ۳ در فوق مربوط به موارد استثنایی می شود و در حالت عادی و عرفی قابل قبول از سوی طرفین نیست یعنی مرد نمیتواند بپذیرد که همسرش در حالی که با او هست با دیگری هم در غالب عقد ازدواج باشد و یا بالعکس زن هم نمی تواند .

بنابراین ما نیازمند به نوعی قانونگذاری هستیم که درباره ی مساله ی مهریه توضیح بیشتری داده و فلسفه ی آنرا شرح دهد که چیست . و هم مدت زمان ازدواج موقت را از تفریطی که امروز اکثراً بدان دچار شده اند بازدارد و تعدیلش کرده و با ارائه ی یک شرایط قانونی و فرهنگ سازی صحیح و در چارچوب قانون و با در نظر گرفتن حقوق طرفین سعی در برطرف کردن این مشکل جوانان ایرانی و صد البته این معضل اجتماعی نماید . درباره ی روابط دوستی بلند مدت بدون قرارداد هم باید گفت لازم است با فرهنگ سازی صحیح و فرآهم آوری شرایطی آسان این نوع روابط را هم قانونی کرده و به صورت ازدواج موقت با شرایط سه گانه فوق در آورد زیرا همین گونه روابط بلند مدت بی قید و بند قانونی میتواند منجر به پایمال شدن حقوق طرفین گردد و هرچند ممکن است در مواردی حقوقی از طرفین در اینگونه رابطه ها پایمال نشود با اینحال ما نمیتوانیم به موارد خاص اعتماد کنیم و جامعه را براساس این موارد خاص تفسیر و تعیین کنیم بلکه باید به آنچه که به صورت عام و کلی اتفاق می افتد نظر داشته باشیم و همان را اصل و ملاک بدانیم . و در شرایط فعلی جامعه ی ما باید افزود که هرچند قانون مدنی ما نارسایی هایی دارد اما در نظر گرفتن ازدواج موقت به عنوان یک عقد قرارداد قانونی به صورت کلی صحیح است اگر بند دو و سه در آن رعایت شود . ولی چون از لحاظ فرهنگی جامعه ی ما به مساله ی صیغه به عنوان یک ابتذال دینی می نگرد به همین خاطر است که ازدواج موقت حتی امری زشت و ناپسند دیده می شود و در جو فکری و فرهنگی ایران قابلیت بروز و تظاهر ندارد . به همین خاطر نمیتوانیم بگوییم فعلاً یک جوان ایرانی چه دختر یا پسر میتواند به آسانی ازدواج موقت کند زیرا با حجم سنگین نگاه های مردم روبرو خواهد شد و از سویی



برای برقراری هرچه بهتر نهاد خانواده بهتر و اصلح تر آن است که ما شرایط ازدواج دائم را فراهم نماییم . با همه ی این اوصاف روابط بین دختر و پسر می تواند برقرار شود با لحاظ شرایط قانونی و فرهنگ سازی درست و مواردی هم که ما گفتیم از اینجهت به نظر نمی رسد مشکلی باشد اما بازهم تاکید می کنیم که ازدواج موقت را با یک رابطه ی بسیار کوتاه که صرفاً برای دفع شهوت جنسی برقرار می شود اشتباه نگیرید .

نکته ی آخر اینکه تمام مسائلی که گفتیم مربوط به دوره و عصر تاریخی فعلی می شود و ممکن است در آینده تغییرات اجتماعی و فرهنگی زیربنایی در نهاد خانواده ایجاد شود که همه ی این مسائل را به نوعی دیگر سازماندهی کند .

در پایان لازم است بگویم که این مقاله بر اساس نظریات شخصی بنده نوشته شده و هیچ جزم اندیشی در آن نیست و از همین رو از دوستانی که این مقال را خوانده اند خواهانم اشکالاتش را به صورت نقد سازنده در کامنت های بعدی بیاورند . با تشکر ...

نگارش: م. بابایی

کارشناس ارشد جزا و جرم شناسی

بخش بانوان

کلید ورود به قلب خانومها

مردانی که به دنبال یک زندگی آرام و با نشاط هستند ، می بایست در ابتدا ویژگی های فطری همسرشان را بدانند تا بتوانند بر مبنای یک استراتژی مشخص، زندگی شیرینی را برای خود و اعضای خانواده بیافرینند.



مردان می توانند با شناخت این ویژگی ها، گام های بسیار بزرگی را در زندگی خانوادگی خود بردارند. با بررسی گذرایی در زندگی بسیاری از مردان بزرگ، می توان دریافت که نقش همسر و یا مادر آنان در موفقیت شان بسیار پررنگ بوده است.



از نکته های بسیار قابل توجه که «پرفسور حسابی» این دانشمند بزرگ ایرانی، بارها بر روی آن تاکید کرده است، نقش دو زن در موفقیت شخصی، خانوادگی، اجتماعی و علمی او بوده است و این دو زن، مادر و همسر مهربان و صبورش بوده‌اند.

در این دو مقاله، سعی می‌شود کلیدهای اصلی قلب زنان برای مردانی که علاقه‌مندند زندگی شیرین و بانشاطی داشته باشند، مطرح گردد.

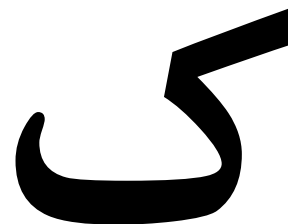
البته باید توجه داشت که تنها با دانستن این کلیدها، کاری از پیش نمی‌رود بلکه باید در خصوص تک تک موردها، اقدام مناسب و شایسته انجام داد و هر روز زندگی خویش را شیرین‌تر و جذاب‌تر نمود.

مردان علاقه‌مند به یک زندگی پویا و زیبا، مطمئن باشند با رعایت نکته‌های این دو مقاله، بی‌شک زندگی آنان دچار تغییر و تحول‌های مثبت خواهد شد:

در این مقاله به دو کلید اساسی و در مقاله ی بعد به بررسی ۳ کلید راهگشای دیگر می‌پردازیم:

لید اول: توجه

خانم‌ها دوست دارند که همسرشان به آنان توجه نماید و با این اقدام به احساس خوب و آرامش‌بخشی دست می‌یابند.



آنان دوست دارند اگر در خانه، کوچک‌ترین اقدامی را انجام دادند، از جانب همسرشان

مورد توجه قرار گیرد. به عنوان نمونه:

اگر آنان در دکوراسیون وسایل خانه، تغییری ایجاد کردند و یا لباس جدید و زیبایی پوشیدند، دوست دارند به سرعت، عکس‌العمل همسرشان را ببینند. مردانی که از شدت خستگی و یا عدم اطلاع، اقدام مناسبی انجام نمی‌دهند، به طور معمول، همسرشان بعد از مدتی، دچار احساس بی‌توجهی و در بسیاری از مواقع، افسردگی می‌شود.

پس آقایان محترم از این پس، یادشان باشد که با یک جمله‌ی بسیار ساده و دلنشین، می‌توانند توجه خود را به همسرشان نشان دهند و او را نسبت به زندگی، دلگرم نمایند و ببینند این توجه چه اثرهای مثبتی در زندگی آنان ایجاد خواهد کرد.

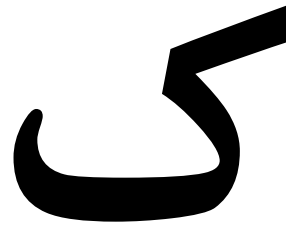


تمرین ۱:

هر روز قبل از ورود به خانه، همه ی مشکل های محیط کار را فراموش کرده و با لبخند و روحیه ای مثبت، وارد خانه شوید و سعی کنید با جمله های انرژی بخش، توجه خود را به همسران نشان دهید و بعد ببینید چه قدر زندگی، شیرین تر می شود.

لید دوم: احترام

خانم ها شیفته ی احترام و تکریم هستند. آنان دوست دارند در هر شرایطی، همسرشان به آنان احترام بگذارد. آقایان با احترام گذاشتن به همسرشان، اعتماد به نفس آنان را افزایش می دهند.



خانم ها علاقه مندند که در جمع خانواده، همسرشان آنان را با نام زیبا و محترمی، صدا زده و در محیط های خانوادگی از آنان تعریف کند. اگر مردی چنین اقدامی را انجام دهد، به سرعت شاهد قدردانی همسرش با یک جمله و یا اقدام مثبت خواهد بود.

فرزندان یک خانواده نیز وقتی احترام پدر و مادر را می بینند، یاد می گیرند که همواره حرمت مادر را حفظ نموده و او را مورد احترام قرار دهند. البته احترام همیشه دو طرفه است ولی حساسیت این موضوع برای خانم ها بسیار بیش تر است. در ضمن، خانم ها فوق العاده علاقه مند به تکریم پدر و مادرشان از جانب همسرشان هستند.

تمرین ۲:

نگویید: «چرا ما همش باید احترام بگذاریم؟» این جمله از آن دسته جمله های تخریب کننده ی یک زندگی مثبت است. از همین حالا دست به کار شوید و ببینید چگونه می توانید به همسران بیش تر احترام بگذارید و او را مورد ستایش قرار دهید. مطمئن باشید که فایده های بسیار بیشتر است.

در مقاله ی بعد به بررسی سه کلید دیگر با عناوین: "شنونده ی خوب"، "حمایت و پشتیبانی" و "دوستی و صمیمیت" خواهیم پرداخت.



منبع: برگرفته از مقالات "مهندس سید حسن میرباقری" - مدرس تکنیک‌های موفقیت در زندگی

گردآوری:

گروه خانواده انجمن علمی - پژوهشی نواندیشان

بخش آقایان

پدران، شغل و مشکلات خانواده

ساعت ۶ بعد از ظهر است. شما در حال جمع و جور کردن ورقه‌ها و اسناد و گذاشتن آنها داخل کیف خود هستید و برای خروج از محل کار آماده می‌شوید، که رییس از در وارد شده و می‌گوید: «برنامه عوض شده، می‌خواهم فردا صبح اول وقت، فلان گزارش، آماده روی میز باشد». سپس تلفن زنگ می‌زند و صدای همسرتان را از پشت خط می‌شنوید که: «پس کی می‌رسی خانه؟»

پدر بودن در این دوران، مانند بندباز بودن است: همواره روی یک طناب نازک، بین کار و زندگی خانوادگی تان، حرکت می‌کنید. اگر از یک سو بیش از حد خم شوید، طبیعی است که نتیجه نامناسبی به دست خواهید آورد. در اینجا، راهنمایی‌هایی از سوی برخی پدران برای حفظ تعادل در این مسیر، ارائه شده است:



اولویت های خود را تغییر دهید

شما باید تصمیم بگیرید که چه چیزی بیشتر اهمیت دارد: ترفیع گرفتن در اداره، یا اختصاص دادن وقت بیشتر به نوزاد و خانواده. البته در برخی موارد، مجبور نخواهید بود که لزوماً از بین این دو مورد، یکی را انتخاب کرده و از دیگری صرف نظر کنید؛ خصوصاً اگر رییس شما نیز بچه داشته و مشکل شما را درک کند.

یک معامله ساده

فرض کنیم رییس شما یک آدم سنگدل و بی احساس است. اشکالی ندارد، شما هنوز هم می توانید برای به دست آوردن یک برنامه کاری ساده تر یا انعطاف بیشتر در مسوولیت‌هایی که به شما محول می شود، با او مذاکره کنید. در واقع می توانید فرض کنید که با صرف نظر کردن از بخشی از درآمد خود، محیط گرم تری برای خانواده خود تأمین کرده اید؛ که در واقع ارزش آن بسیار بیشتر از آن مقدار دستمزدی است که از دست داده اید.

ساعات کاری خود را تغییر دهید

در صورتی که شغل شما به گونه ای است که می توانید بخشی از کار خود را در منزل انجام دهید، این کار را بکنید. زودتر به خانه بیایید، سپس بخشی از کارها و تماس‌های خود را پس از اینکه بچه ها خوابیدند انجام دهید؛ یا اینکه اگر خوش شانس هستید و آنها صبح دیر از خواب بیدار می شوند، پیش از بیدار شدن آنها کارهای خود را تمام کنید.

اگر می توانید، از راه دور کار کنید

در صورتی که شرایط شغلی شما امکان این کار را برایتان فراهم می کند، یک یا دو روز در هفته، کارهای خود را به خانه آورده و در منزل انجام دهید. سپس، وقتی می خواهید چند دقیقه بین کار استراحت کنید، می توانید پوشک بچه را عوض کنید، با شیشه به بچه شیر بدهید، بچه را بغل کنید و پشتش را بمالید تا آروغ بزند و سپس



او را تمیز کنید و در غیر این صورت، می توانید لباسهای کودک را که از آب دهان یا آروغ یا خیس کردن جایش کثیف شده اند، بشویید.

اما بهتر است ابتدا مطمئن شوید که برای این تغییر، آمادگی دارید شاید لازم باشد اول یک مکان اختصاصی برای کار کردن در خانه داشته باشید، ثانیاً باید یاد بگیرید به محض اینکه صدای گریه یا فریاد می شنوید، از سر کار بلند نشوید!

نگهداری و مراقبت از کودک را به همراه همسر خود انجام دهید

احتمال آن وجود دارد که شما تنها کسی در خانه نباشید که کار می کنید. حالا وقت آن رسیده یک شیفت هم در خانه کار کنید. می توانید بچه داری را زمانبندی کنید.

از دیگران کمک بگیرید

هیچ کس توصیه نمی کند که شما و همسرتان باید همه مسوولیت مراقبت و نگهداری از کودک را به تنهایی بر عهده بگیرید. اگر توان مالی دارید، فردی را استخدام کنید تا در برخی موارد به شما کمک کند. یا می توانید از اقوام درجه یک یا دوستان در برخی امور کمک بگیرید.

گاهی لازم است فقط شما باشید و کودکتان!

برای ایجاد رابطه عاطفی قوی با کودک، گاهی اوقات باید مدتی را فقط با او (بدون همسرتان) سپری کنید. هر هفته چند ساعت از وقت خود را به کودکتان اختصاص دهید. به دنبال کارها یا فعالیتهایی بگردید که هر دو از آن لذت ببرید.

همیشه لازم نیست کاری انجام بدهید، فقط بنشینید.



بدیهی است که گاهی اوقات باید به تعمیرات خانه پردازید، خرید کنید یا انبار و حیاط را مرتب کنید. اما بهتر است در برابر وسوسه استفاده از ساعات گرانیهای آخر هفته برای انجام دادن کارهای روزمره مقاومت کنید. در عوض مدتی را به کودکان اختصاص دهید صرف نظر کردن از این همه کارهایی که بالاخره باید انجام شوند، دشوار است، اما باید یاد بگیرید که تا حدی به بی نظمی و به هم ریختگی عادت کنید. به خاطر داشته باشید که کودکان ناز و شیرین شما، همیشه بچه نخواهند ماند. بهتر است در خانه بمانید و از همراهی با آنها لذت ببرید، پیش از آنکه آنها بزرگ شده، به سن نوجوانی و جوانی برسند و دیگر مایل نباشند که حتی لحظه ای در کنار شما بمانند!

گردآوری:

گروه خانواده انجمن علمی - پژوهشی نواندیشان



کودک ونوجوان

با لکنت زبان چه کنیم؟

۱- در مراحل اولیه ، لکنت زبان را نادیده بگیرد.

کودکان در سنین پایین هیچ گونه آگاهی نسبت به نارسایی گفتار خود ندارند. اگر زمانی که لکنت شروع می شود توجهی به آن نکنید، کودک شانس بیشتری برای پشت سر گذاشتن آن دارد...

۲- آرام رفتار کنید.

یک خانواده ی آرام به کودکانشان فرصت بیشتری برای صحبت کردن بدون وارد آمدن فشار روانی می دهند.

این مسئله زمانی را در اختیار هر فرد قرار می دهد تا بدون برخورد با گفتار دیگری، حرفش را بزند. برنامه های شتابزده کودکان را مجبور می سازد که افکارشان را سریعتر به کلمات تبدیل نموده و در نتیجه سریعتر صحبت نمایند که این امر سبب تقویت لکنت زبان در آنان می شود.

۳- الگوهای ساده و آرام گفتار را سرمشق کودک قرار دهید.

به آرامی و با جمله های کوتاه صحبت کنید. گاه و بیگاه بین جمله ها مکث کنید و از لغات ساده یا مناسب سن کودکان ، استفاده نمایید. از صحبت کردن خودتان به عنوان یک نمونه استفاده کنید و به کودکان نشان دهید که لزومی ندارد شتابزده یا پیچیده صحبت کنند.

۴- زمانی که کودکانتان صحبت می کنند به آنان کاملاً گوش دهید.



هر زمانی که ممکن است به آنان نگاه و توجه کنید. این کار باعث می شود از انجام حرکاتی که نشان دهنده ی این است که گرفتارید و وقت کافی برای آنان ندارید، بپرهیزید. حرف آنان را تا آخر گوش کنید، این نشان می دهد که شما به مطلبی که گفته می شود، توجه دارید نه به نحوه ادای آن.

در برخورد با لکنت زبان از چه کارهایی باید پرهیز کنیم؟

۱- به کودکانان نگوید که چگونه لکنت زبان را متوقف کنند.

بیان نصیحتی از قبیل این که «آرام صحبت کنید، نفس عمیق بکشید یا قبل از صحبت کردن فکر کنید»، مشکل کودکانی را که لکنت دارند حل نخواهد کرد و فقط به آنان می گوید که اشتباه می کنند و درست صحبت نمی کنند.

۲- صحبت آنان را قطع نکنید.

بگذارید کودکانان بدون کمک شما و تصحیح شدن یا بدون این که حرفشان قطع شود کلمات را با لکنت ادا کنند. اگر شما به این موضوع بیش از حد توجه نشان دهید، احتمالاً لکنت با شدت و به دفعات بیشتری تکرار می شود.

۳- نگرانی به خود راه ندهید.

همان طور که در زمان به راه افتادن کودکان افتادن او را بر روی زمین بدون نگرانی نادیده می گرفتید، پس لغزش آنان را نیز در صحبت کردن نادیده بگیرید. هرگز فریاد نزنید، سرزنش نکنید و نگویید: «دیگه بسه»، همچنین مواظب حرکات خود باشید. اگر زمانی که کودکان با لکنت صحبت می کند، به چشمان او نگاه نکنید یا دائماً به این طرف و آن طرف نگاه کنید یا خود را مشغول کار نشان دهید، در واقع ناراحتی و اضطراب را به کودک خود منتقل خواهید کرد.

۴- انتظار تداوم نداشته باشید.

کودکان ممکن است پس از یک دوره ی طولانی روانی گفتار، به طور غیرمترقبه ای دوباره به لکنت زبان بازگردند. لکنت زبان ممکن است سالها متوقف شده باشد اما دوباره شروع شود. روانی گفتار کودکان همیشه



بدین معنی نیست که آنان کاملاً بر این مشکل فائق آمده اند و اگر این عادت دوباره بروز کند، به دلیل تنبل شدن یا لجابت آنها نیست. ناپیوستگی یکی از مشخصه های استاندارد نارساییهای اولیه ی گفتاری است.

۵- کودکان را مجبور به صحبت نکنید.

سعی کنید او را در موقعیتهایی قرار ندهید که در حضور دیگران مجبور به صحبت کردن شود. کودکانی که دائماً به واسطه ی گفتارشان خجالت زده می گردند، ممکن است به کلی از صحبت کردن خودداری کنند.

نارسایی عادی

۱- تکرار کردن تمام کلمات: «سگی را - سگی را - سگی را دیدم.»

۲- مکث با اشاراتی چون اوم، آه و اوه: «سگی را «اوم، اوم، اوم دیدم.»

۳- تکرار اولین صدا فقط یک بار: «سگی را - دیدم.»

نارسایی خطرناک

۱- تکرار اولین صدا یا اولین بخش از یک کلمه: «سگ را د - د - د - دیدم.»

۲- مکث کردن برای بیش از یک ثانیه: «سگ را دی - دم.»

۳- اولین صوت تکرار نشود ولی کشیده شود: «سگی را د د د دیدم.»

تجربه ی نارسایی عادی گفتار، معمولاً برای کودکان ناآگاهانه است و نشانی از فشار روحی ندارد زمانی که آنان به مسائل گفتاری واکنش نشان می دهند (معمولاً این مسئله نشأت گرفته از اطرافیان می باشد) عمل لکنت زبان به عنوان یک عادت دائمی شکل می پذیرد. انجمن گفتار آمریکا شش نشانه ارائه می دهد که زمان جدی شدن این مشکل و مراجعه به یک آسیب شناس گفتار را تعیین می کند که در مقاله ی بعد به ذکر و توضیح آن می پردازیم.

منبع: تبیان

ویرایش و تلخیص: آکاایران

گردآوری: پیمان صادقیان



هنر در خانه

تخم مرغ به شکل پارچ

مواد لازم:

تخم مرغ / به میزان لازم

کاغذ رنگی / به میزان لازم

مقوای نازک / به میزان لازم

چسب مایع / به میزان لازم



طرز تهیه:

ابتدا تخم مرغ را با رنگ دلخواه رنگ

کنید. بعد از خشک شدن با مداد روی تخم مرغ به صورت کمر بند خط بکشید به صورتی که تخم مرغ به ۳ قسمت تقسیم شود. از کاغذ رنگی نوارهای باریک و بلندی ببرید و از قسمتی که خط کشیده اید روی تخم مرغ بچسبانید. روی قسمت کمر بندی را با یک نوار باریک که به صورت هفت و هشت برش زده اید، بپوشانید. برای قسمت های زیر پارچ یک تکه مقوای ۷ سانتیمتری به عرض یک و نیم سانت برش زده و به صورت حلقه در آورید و در قسمت زیر تخم مرغ (قسمتی که پهن تر است) بچسبانید. برای لبه ی پارچ هم همین کار را انجام دهید. برای قسمت لبه یک برش لوزی شکل زده و بچسبانید. می توانید برای تزئین از نوارهای رنگی روی قسمت لبه و زیر پارچ استفاده کنید.

تألیف:

بهار رضایی



دکوراسیون - ابتکارهای ساده در چیدمان خانه

گاهی اوقات بعد از زدن رنگ دلخواه به دیوارها، انتخاب مبلمان مناسب و استفاده بجا از وسائل تزئینی، باز هم احساس می کنید که اتاق ظاهری کسل کننده و یکنواخت دارد و با وجود اینکه همه چیز سر جای خود قرار دارد، باز هم به نظر می رسد که چیزی کم است. در چنین شرایطی می توانید با تغییرات جزئی ظاهر خانه را جذاب تر کنید...

بسیاری از افراد برای دیوارها یا مبلمان و سایر وسایل خانه از طرح های بسیار ساده و رنگهای روشن و یکنواخت استفاده می کنند به طوری که همه رنگ ها با یکدیگر همخوانی کامل دارند و بسیار به هم نزدیک هستند. البته استفاده از این شیوه ایرادی ندارد اما اگر می خواهید دکور جذاب تری داشته باشید بهتر است از یک شیء خاص با رنگ یا طرح بسیار متفاوت استفاده کنید تا نمای اتاق از حالت یکنواخت خارج و توجه افراد به بخش خاصی از آن معطوف شود. یک مبل راحتی با رنگی شاد یا یک تابلو نقاشی بزرگ با طرحی شلوغ و رنگ های جذاب می تواند گزینه های مناسبی برای این کار باشد.

همانطور که همه انسان ها به علت داشتن خصوصیات و ویژگی های منحصر به فردشان با یکدیگر متفاوت هستند، خانه ها نیز باید با یکدیگر تفاوت داشته باشند. بهتر است برای طراحی دکور اتاق ها علاوه بر وسائلی که در هر خانه ای موجود است از اشیایی استفاده کنید که به نوعی نماد اعضای خانواده باشد. به عنوان مثال قاب عکس های خانوادگی یا یک شیء قدیمی که نسل اندر نسل به شما به ارث رسیده است یا آثار هنری اعضای خانواده، می توانند به خانه شما روح و شخصیت خاص خود را ببخشند.

هیچ چیز نمی تواند مانند یک دسته گل زیبا یا چند گلدان از گیاهان آپارتمانی به فضای خانه شما نشاط و سرزندگی هدیه کند. البته به شرطی که گیاهان کاملاً شاداب باشند. برای نورپردازی اتاق ها به جای استفاده از یک چلچراغ پر از لامپ ۱۰۰ وات، از آباژورها یا چراغ های تزئینی استفاده کنید. استفاده از چراغ های تزئینی کوچک و بزرگ در نقاط مختلف اتاق، نه تنها نورپردازی خانه را زیباتر می کند، بلکه به عنوان یک شیء زینتی به زیبایی محیط نیز می افزاید.



بسیاری از افراد ترجیح می دهند به دیوارها رنگ سفید ساده بزنند در حالی که استفاده از کاغذ دیواری های طرح دار می تواند زیبایی اتاق را دوچندان کند. حتی اگر دیوارها رنگ ساده ای دارند، می توانید در بعضی از قسمت ها نوارهای حاشیه ای طرح دار که مخصوص دیوار هستند نصب کنید. در خانه ای با دکور زیبا، لزومی ندارد که همه چیز به طور کامل با یکدیگر همخوانی کامل داشته باشد. گاهی اوقات بد نیست طرح ها یا بافت های کاملاً متضاد در کنار یکدیگر قرار بگیرند، به عنوان مثال یک ظرف شیشه ای روی یک میز چوبی با یک رومیزی ابریشمی و نازک در مجاورت فرشی ضخیم با پرزهای بلند، جلوه چشم نوازی خواهد داشت.

فرش ها با طرح، رنگ، جنس و سایزهای متفاوت یکی از اصلی ترین مؤلفه های دکور خانه محسوب می شوند البته به شرطی که از آنان به خوبی استفاده شود. اگر می خواهید در خانه از چند دست مبلمان استفاده کنید یا هر گوشه از فضا را به انجام کار خاصی اختصاص دهید، می توانید برای هر بخش یک قالی با رنگ و طرح متناسب با مبلمان تدارک ببینید و سایر وسائل را دور آن بچیند.

منبع: روزنامه ایران

ویرایش و تلخیص : آکاایران

گردآوری: پیمان صادقیان



متفرقه

تاریخچه هفت سین از گذشته تا به امروز

خوان نوروزی (سفره هفت سین) باید سفید باشد چرا که نشانه پاکی و سفید بختی و روشنایی است و نیز نشانه جهان بی پایان است که بارگاه یزدان در آن است. به گزارش ایسنا، در سفره و یا همان خوان نوروزی مواد و چیدنی‌هایی گذاشته می‌شود که هر کدام نشانه و نمادی از سلامتی، رزق و روزی، زایش، برکت و ... است.

سبزه

شاید زیباترین ویژگی سفره هفت سین را می‌توان به وجود سبزه آن دانست، به این دلیل که سبزه با رنگ و طراوت خود دلها را شادمان می‌سازد و با نگرستن به آن طلوع سال جدید را زیباتر می‌کند.

در ایران باستان رسم بر این بود که بیست و پنج روز قبل از نوروز در کاخ پادشاهان دوازده ستون از خشت خام برپا می‌ساختند و بر هر کدام یک نوع غله می‌کاشتند و معتقد بودند اگر سبزه‌ها خوب بروید سال پر برکتی است.

در ایران باستان دانه‌های گندم، جو، برنج، لوبیا، عدس، ارزن، باقلا، نخود و کنجد را بر این ستون‌های خشتی می‌کاشتند و روز ششم فروردین آنها را برمی‌چیدند و به نشان برکت و باروری در تالارها پخش می‌کردند و معمولاً سه قاب از سبزه به نماد اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک بر خوان می‌گذاشتند و اغلب کنار آنها گندم، جو و ارزن که نقش مهمی در خوراک مردم داشتند سبز می‌کردند تا سبب فراوانی این دانه‌ها در سال جدید گردد.

امروزه نیز آن چیزی که وجودش بر سر سفره هفت سین ضرورت دارد، سبزه است. مردم یزد از نیمه اسفند به سبز کردن سبزه در کاسه و بشقاب و حتی بر روی کوزه‌های سفالی می‌پردازند. زرتشتیان رویش سبزه را در



نوروز نشان تازه شدن زندگی و فصل رویش دانه‌ها که خود برکت زندگی محسوب می‌شود، می‌دانند. در گذشته زرتشتیان یزد بیشتر "تره تیزک" را که در گویش خود بدان "ششه" می‌گویند بر روی کوزه های سفالی سبز می‌کردند.

دانه‌هایی که امروزه کشت می‌شود بیشتر گندم و عدس است ولی ماش و تره تیزک را نیز سبز می‌کنند. معمولاً تره تیزک را یک شبانه روز خیس می‌کنند سپس آن را در کیسه‌های پارچه‌ای نازک می‌ریزند و در جایی گرم قرار می‌دهند تا جوانه بزند، جوانه زدن دانه‌ها را در گویش زرتشتیان یزد روز آمدن می‌گویند، بعد از آن که دانه‌های روز آمده را در بشقاب‌های پهن بی‌لبه که معمولاً سه عدد و مخصوص کاشتن سبزه هستند، ریختند، روی جوانه‌ها را پرده‌ای از ماسه نرم می‌ریزند و آب می‌دهند تا سبز شود.

آتشدان (مجمر)

بر سر سفره هفت سین زرتشتیان وجود آتشدان، نماد اردی بهشت امشاسپند، اهمیت خاصی دارد. آتش این مجمر از آتش مقدس مایه می‌گیرد معمولاً در کنار آتشدان دانه‌های اسفند کندر اشتره و نیز چوب‌های خوشبو چون عود و صندل وجود دارد.

روشنایی تجلی اهورا مزدا است و نماد درستی و نیک اندیشی و راستی بنابراین باید بر سر سفره هفت سین باشد. در ایران باستان در دو سوی آتشدان شمعدان‌های گران بها یا چراغ می‌نهادند و آنها را می‌افروختند و این نشانی از دنیای پرفروغ بی پایان بود که اهریمن بدانجا راه ندارد.



نان

نان که نمادی از برکت است، چه در گذشته و چه در حال بر سر سفره نوروزی می گذاشتند و اکنون نیز یا نان سنگک بزرگی می پزند و برای برکت سفره بر آن می گذارند یا اینکه نان را به صورت کماج شیرین درآورده بر خوان نوروزی می نهند. در زمان ساسانیان گرده نان هایی به اندازه یک کف دست یا اندکی کوچکتر می پختند که به آنها "درون" می گفتند و گاهی بر آن نوعی نیایش می خواندند و بدین ترتیب نان های نوروزی را برکت می بخشیدند.

امروزه زرتشتیان علاوه بر نان معمولی نان های دیگری مانند کماج، نان شیر و چند نوع شیرینی خانگی که بیشتر جنبه تشریفاتی دارد، می گذارند.

بر سر سفره هفت سین یزدی ها شیرینی های معروف یزدی هم به چشم می خورد که معمولاً در دیس های بزرگ به طرز زیبایی چیده می شود و در اعیاد و جشن ها و به ویژه عید نوروز مصرف فراوان دارد.

کوزه آب

در گذشته کوزه آب که توسط دختران نابالغ از چشمه ها پر می شد با زینتی از گردنبندها بر سر خوان نوروزی نهاده می شد. امروزه کوزه سفالی را پر از آب می کنند و به جای جواهرات با سبزه و روبان تزئین می کنند و همراه با تاس مسین پر از آب و برگ های آویشن در حالی که یک عدد انار سرخ هم در آن نهاده اند، بر سفره می گذارند.



انار

انار از مقدس ترین درختان است که تقدسش را همچنان تا به امروز حفظ کرده است. درخت انار به سبب رنگ سبز تند برگ هایش و نیز به جهت رنگ و شکل غنچه و گل ماندش، همانند آتشدان است و همیشه مقدس بوده است. پردانگی انار نماینده برکت و باروری و رزق فراوان است و نمادی است از باروری ناهید.

زرتشتیان معمولاً در تاس مس پر از آب یک عدد انار هم می گذارند با این باور که این میوه پرادانه در سال جدید برکت و رزق فراوان برای خانواده به همراه داشته باشد، به ویژه انارهای خوش آب و رنگ و آبدار شهر کویری یزد که اکثراً برای استفاده در سفره های هفت سین در پوششی از گاه در گودال های زمینی نگه داری می شود تا در سال نو به زیبایی سفره هفت سین بیفزاید.

کتاب مقدس

یکی دیگر از چیدنی های خوان نوروزی وجود کتاب مقدس به عنوان نماد اهورا مزدا است. در دوران ساسانیان کتاب اوستا را برخوان می گذاشتند و قبل از فرا رسیدن سال قسمتی از آن را که معمولاً "فروردین یشت" است، می خواندند و از فرورهای شاهان، پاکان، پارسایان، دلاوران و شهسواران که در "فروردین یشت" نام آنها آمده، یاد می کردند.

امروز بر سر سفره نوروزی ما مسلمانان قرآن و بر سر خوان نوروزی کلیمیان تورات گذاشته می شود و هر کس قسمتی از کتاب دینی خود را می خواند تا سال نو را با آیه های مبارک الهی شروع کرده باشد.



تخم مرغ

تخم مرغ بن مایه خوان نوروزی است و به صورت رنگ کرده می‌بایست بر سر سفره هفت سین جلوه نمایی کند، زیرا که تخم و تخمه نمادی است از نطفه و نژاد و در روز جشن تولد آدمیان که تخمه و نطفه پدیدار می‌گردد تخم مرغ تمثیلی است از نطفه باروری که به زودی باید جان بگیرد و زندگی یابد و زایش کیهانی انجام پذیرد. پوست آن هم نمادی است از آسمان و طاق کیهان.

آئینه

به اعتقاد زرتشتی‌ها چون آخرین ماه سال زمان تولد آدم ابوالبشر است، بنابراین باید نمادی از آن در خوان نوروزی باشد تا شکل پذیری آسان شود. از این رو آئینه‌ای در بالای خوان نهاده می‌شود و در اطراف آن شمع یا چراغی می‌گذارند. اغلب تعداد شمع‌ها با تعداد فرزندان خانواده ارتباط دارد و نیز آئینه‌ای دیگر در زیر تخم مرغ گذاشته می‌شود تا انعکاس وجود آدمی در آئینه دیده شود و نیز آئینه زیر تخم مرغ هم نمایانگر تحویل سال است.

وقتی که گاو آسمانی، کره زمین را از شاخه‌ی به شاخ دیگر می‌افکند در آن زمان تخم مرغ بر روی آئینه خواهد جنبید، در جلوی آئینه هم مشتگی گندم به نشانه روزی فراخ می‌پاشند.

سمنو

سمنو که از جوانه‌های تازه رسیده گندم تهیه می‌شود، نماد فراوانی خوراک و غذاهای خوب و پر نیرو است و نیز نمادی برای زایش گیاهی و بارور شدن گیاهان توسط فرورهاست.



سنجد

سنجد که عطر برگ و شکوفه های آن محرک عشق و مهر است و از مقدمات اصلی زاینده گی به شمار می آید، باید بر سر خوان نوروزی نمایان باشد. وجود سنجد در سفره نوروزی انگیزه زایش کیهانی است گاه زرتشتیان دانه های سنجد را با آویشن در هم می آمیزند و همراه با نقل و سکه بر سر سفره نوروزی می گذارند.

سیر

نماد میکروب زدایی و پاکیزگی محیط زیست و سلامت بدن و نیز زدودن چشم زخم است که باید حتما بر سر سفره نهاده شود. به اعتقاد زرتشتیان بوی سیر دیوان را می گریزند. زرتشتیان سیر را با تکه های نان که در آن ترید کرده اند، در مراسم پرسیه با سداب به کار می برند و بر سر سفره نیایش می گذارند.

پوست سیر را هرگز در جایی نمی گذارند زیرا معتقدند از سحر هم بدتر است، به همین جهت برای کندن پوست آن ابتدا سیر را در آب می خیسانند و بعد پوستش را می کنند، هم چنین معتقدند اگر پوست سیر را با پیاز گلپر و اسفند در خانه بسوزانند، به خصوص در صبح روز پنجشنبه، بویش، خانه را پاک می کند.

سرکه

همانند سیر نمایانگر پاکی محیط، زدودن آلودگی و باطل کردن سحر و جادو است.



سماق

سماق نماد عشق مهر و پیوند دلها است که بر سر سفره هفت سین نهاده می شود.

سپند (اسفند)

اسفند نیز نشانه‌ای است از دفع چشم زخم که در زمان‌های کهن مقدس بوده، است و در مراسم نیایشی به کار می رفته است. امروزه نیز از آن برای دفع چشم زخم و به نیت درود فرستادن برای عزیزان از دست رفته و همچنین ضد عفونی کردن محیط استفاده می شود.

زرتشتیان اسفند را در خوانچه مخصوصی می نهند چراکه نشانه همه امشاسپندان و مقدسان است. اسفند همراه با کندر و دیگر خوشبوهای مخصوص آتش همیشه در خانه زرتشتیان وجود دارد و روزی ۲ تا ۳ بار آن‌ها را بر آتش می ریزند به خصوص در مراسم سوگواری و شادی اسفند دود کردن امری رایج است.

ماهی

یکی دیگر از زینت دهندگان سفره هفت سین، ماهی است، اسفند ماه در برج حوت است و حوت یعنی ماهی. در هنگام نوروز برج حوت به برج حمل تحویل می گردد و از این رو نمادی از آخرین ماه سال در خوان نوروزی گذاشته می شود. علاوه بر آن ماهی یکی از نمادهای آناهیتا فرشته آب و باروری است که وظیفه اصلی نوروز را که باروری است بر عهده دارد. خوردن سبزی پلو با ماهی نیز در شب عید از این روست و ظرف پر از آب با چند ماهی قرمز نماد است از روزی حلال.



سکه

پول زرد و سفید در خوان نوروزی نمادی است از شهریور امشاسپند که موکل است بر فلزات و بودن آن بر سر خوان که موجب برکت و سرشاری کیسه است.

بر سر خوان نوروزی زرتشتیان و گاه غیر زرتشتیان چیدنی‌های دیگر هم نهاده می‌شود؛ شیرینی و نقل که نماد شیرین کامی است؛ گلابدان پر از گلاب و همچنین سبزی خوردن، پنیر و کاهو که طراوت و نیز زیبایی سفره را دو چندان می‌کند. در برخی از سفره‌ها آرد هم وجود دارد که آن هم نمادی است از برکت نوروزی اما دو چیز مهم دیگر بر سر سفره هفت سین نمادین است، یکی انار و دیگری تنگ ماهی.

نارنج

نمادی است از گوی زمین و هنگامیکه در ظرف آبی نهاده شده باشد، نمادی است از گوی زمین در کیهان و گردش آن بر روی آب نمودار گذاشتن برج‌های دوازده گانه و تحویل سال است.

گل بیدمشک

گل بیدمشک نمادی است از اسپندارمذامشاسپند و گل نیز ویژه اسفند ماه است به خصوص گل بیدمشک که از عطر خاصی نیز برخوردار است و در معطر ساختن فضای خانه نقش بسزایی دارد.



علاوه بر این‌ها بر سر سفره زرتشتیان کاسه‌ای پر از پالوده خانگی و نیز کاسه‌ای از خشکبار ترش مزه مانند برگه شفتالو، برگه زردآلو، آلبالو و آلوچه را که قبلا در آب خیسانده اند، نیز می‌گذارند و نیز مقداری پسته، فندق، بادام زمینی و تخمه را که قبلا خندان کرده و بو داده اند، داخل کیسه‌ای به نام دولک می‌ریزند و به عنوان آجیل نوروزی بر سر سفره می‌نهند.

علاوه بر آن بر سر سفره هفت سین گل‌های زیبا و خوشبویی چون گل نرگس، گل سنبل و گل شب بو که نوید بخش بهار هستند، دیده می‌شود.

زمانیکه سفره چیده شد همه اهل خانه حمام رفته و لباس نو پوشیده، گرد سفره هفت سین می‌نشینند و چند دقیقه مانده به تحویل سال همگی با هم خواندن سرودهایی، خداوند را سپاس و نیایش می‌کنند.

سال که تحویل شد جملگی با شادی وصف ناپذیری سال جدید را تبریک گفته، روبوسی می‌کنند؛ بانوی خانه آینه و گلاب پاش را از سر سفره برداشته و گلاب را در دست هر کدام می‌ریزد و همزمان آینه را رو به روی چهره آنها می‌گیرد تا روی خود را ببیند. این کار از سالخورده ترین فرد خانواده شروع می‌شود.

آن گاه همگی به وسیله نقل خوشمزه یزدی (معمولا نقل بیدمشکی، نقل بادام و یا نقل پسته) که در قنادی‌های یزد تهیه می‌شود و نیز سایر شیرینی‌ها پذیرایی شده، دهانشان را شیرین می‌کنند. سپس پدر خانواده به همه اعضای خانواده عیدی می‌دهد و بعد از آن مقداری از غذاهای درون سفره با شادی صرف می‌شود.



سخن پایانی

به پایان آمد این دفتر... حکایت همچنان باقیست...

حکایت خانه و خانواده دفتریست که هرگز بسته نخواهد شد خانواده ای که ما ایرانیان همواره به داشتن آن میبایسیم و افتخارمان این بوده که همواره جامعه ای داشته ایم که به خانواده وارزشهای آن احترام میگذاشتیم و خواهیم گذاشت....

عیدنوروز حداقل این فرصت را به خانواده ها میدهد که هرچند وقتها محدود و کم شده است و مثل گذشته مردم به دید و بازدید هم نمی پردازند و به نحوی فرهنگ صله رحم دارد از میان فرهنگ اصیل ما رخت می بندد باز به این بهانه به هم سر میزنند و سراغی از هم میگیرند. کوچکترها کم و بیش سری به بزرگترها میزنند و کمی دلشان را شاد میکنند .

سخن پایانی ما شاید آغاز تفکر و تلنگری باشد برای شما که وقت گرانبهای خود را در اختیار ما گذاشتید و این مجله مجازی را مطالعه کردید..
صمیمانه از شما سپاسگزاریم..

باتشکر

پیمان صادقیان

گروه خانه و خانواده

انجمن علمی پژوهشی نواندیشان